

■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۶۳۴ ■ یکشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرمدیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۳/۰۱ | آذان مغرب ۲۹/۲۰ | نیمه شب شرعی ۰۰/۰۱ | آذان صبح فردا ۴/۱۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۳

امام موسی کاظم(ع):

خردمند دروغ نمی گوید، اگرچه میل او در آن باشد.

سخن روز

تو در آرزوی رهایی ز بند

و ما با رهایی تو سربلند

« برای فلسطین»

نگاره

احسان نوری نجفی



#قطع برق

شده. دخترم زنگ زده می‌گه مامان بدو

برام اینترنت بگیر امتحان دارم، برق رفت.

چه خبرتونه واقعاً؟ هنوز نایستون نشده‌ها)،

«صبح کار بانکی داشتم برق رفت و معطل

شدم و تا برسیم به‌جایی‌که باید بعد از بانک

میومدیم، دیر شده بود. کار افتاد به فردا»،

«از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ برق نداشتم. بدون

اینکه اطلاع بدن برق قطع میکنن. لوازم برقی

خونه صدمه میبینه؛ گرما اذیت میکنه،»

«درست توی ایام امتحاناتی مجازی، بساط

قطعی برق دارن، اونم بدون برنامه و اعلام

قبلی، کارای این همه دانش آموز و معلم رو

براحتی می‌ریزن به هم،»، «یک ماه مانده به

فصل تابستان، قطعی‌های گسترده برق در

کثیر نقاط ایران شروع شد»، «اگه میخواین

برق رو قطع کنید حداقل به جدول قطعی

برق مناطق رو بدید تا حواسمون باشه قبلش

گویشمونو شارژ کنیم. بدون برق و بدون شارژ

چکار کنیم؟»، «ایران بعد از روسیه دومین

منابع گازی جهان رو داره، با توجه به این

به مقداری هم برق صادر می‌کنیم احتمالا

تولیدمون باید بیش از مصرفمون باشه (تا

سال ۹۶ که این‌طور بوده). دقیقاً این برق

و گازمون چی می‌شه پس؟ نمی‌شه که با

بیشترین منابع انرژی جهان زمستون مازوت

بسوزونیم و قطع برق داشته باشیم، تابستون

هم مازوت نسوزونیم و قطع برق داشته

باشیم،» «خب تکلیف ما که با قطع شدن

برق پمپ آب ساختمونون قطع میشه

چی؟» هم برق قطع شده هم آب،»، «چیزی

که می‌ترسیدم اتفاق افتاد. وسط امتحان برق

رفت،» «برق قطعه، آنتنم هم در رفت و

آمده. خدا رو شکر قرن ۲۱ ایم

و عصر ارتباطات.»

شهروند

مجازی

یکانه خدماتی

روز بد بورس

بازار بورس دیروز افت زیادی

داشت واثرات این افت را در

نوشته‌های کاربرانی که در این

بازار فعال هستند می‌دیدیم. «خرداد پر

این کاهش می‌نوشتند و آن را بازار رمزارزها مقایسه

می‌کردند: «بورس در تعقیب رمزارز»، «ثامید

نباشید کم‌ی دیگه تحمل کنیم شاخص زیر یک

میلیون می‌رسه. ما می‌تونیم،» «خودرو ۸۰۰۰ تومنی

رسیده به ۱۷۴ دونه

این سقوط بورس

تهران رو حقیقتاً باید

در تاریخ بازارهای

مالی دنیا ثبت کن،»

«خیلی‌ها میگفتن

خرداد ماه به خاطر

انتخابات وضعیت

بورس بهتر میشه. نمی‌دونستن قراره در اولین روز

خرداد، شاخص کف قبلی رو بشکنه،» «خرداد پر

حادثه با رنگ نگرفتن دیوارها و بورس خونین آغاز

به‌کار کرد. خدا رحم کنه!»، «پس انداز میلیون‌ها

ایرانی از بین رفت. نوسان در بورس است اما ریزش

۷۰ درصدی ارزش یک سهام در کل دنیا و طول

تاریخ بی‌سابقه‌ست»، اولین تجربه بازگشایی سهم

و



بخشی از سخنان دبیر جشنواره فیلم زمین در مراسم اختتامیه این جشنواره/ایرنا

فرهاد توحیدی: سینما می‌تواند مسأله توسعه پایدار را از زوایای گوناگون بررسی کند

بسیاری از فیلم‌های سینمایی و انیموهی از آثار کوتاه، مستند و انیمیشن وجود دارند که می‌توانند مسأله توسعه پایدار را از زوایای گوناگون طرح و بررسی کنند و جشنواره بین‌المللی فیلم زمین با همین امید تأسیس شد. از ابتدای راه‌اندازی این جشنواره بسیاری از ما پرسیدند که چرا موضوع جشنواره «توسعه پایدار» است؟ در پاسخ به آنها گفتیم کدام ایرانی باوجدانی است که خواهان کشوری پیشرفته، مردمی، مسئولیت‌پذیر، آگاه و مرفه در کنار حکومت قانون، عدالت اجتماعی، اقتصاد شکوفا، محیط زیستی پاک و ایمن در کنار تأمین آینده نسل‌های آتی نباشد. قطعاً همه ایرانیان آرزوی چنین توسعه‌ای را دارند. اگر توسعه پایدار را به زبان ساده راه حل برطرف کردن نیازهای امروز بشر بدانیم، نمی‌توان آن را بی‌آنکه به رفع نیازهای نسل آینده فکر کرد در نظر گرفت.

بخشی از سخنان دبیر جشنواره فیلم زمین در مراسم اختتامیه این جشنواره/ایرنا

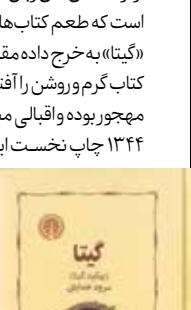
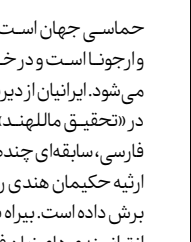
نقش رسانه‌ها و هنرمندان در حیات دوباره تئاتر

ما یک مسأله همه‌گیر اجتماعی نیست، یعنی کارکرد اجتماعی آن طوری نیست که تمامی اقشار جامعه مخاطب آن باشند و مثل سینما عمومیت داشته باشد. در حال حاضر مسأله این است که چطور همان قشر مشخص را که مخاطب تاتر بودند دوباره به تئاتر برگردانیم و این مسأله جز با اعتماد سازی عملی نخواهد شد و در این اعتمادسازی، همان طور که گفته شد نقش رسانه برای بازتآپ آنچه در تئاتر می‌گذرد بسیار ضروری و با اهمیت است. از سوی دیگر، هنرمندان صاحبنام در این بخش می‌توانند کمک شایانی به این حضور کنند. هنرمندان سرشناس ما که تقریباً بیش از یک سال است اجرایی نداشته‌اند و منتظرند تا وضعیت به روال عادی برگردد می‌توانند با اجراهای تازه خود مخاطب را با خود همراه کنند و این حضور آنها و همراهی مخاطب، کم‌کم می‌تواند ترس از ورود به سالن‌های تئاتر را کاهش دهد و رگ حیاتی تئاتر را دوباره پر از خون کند. ما در این یکسال و اندی به‌رغم تمام مشکلات، هم طور که بود سعی کردیم چراغ تماشاخانه‌ها را روشن نگه داریم اما غیرقابل پیش‌بینی بودن وضعیت و تعطیلی‌ها و بازگشایی‌های به‌یکباره امکان گروه‌نه برنامه‌ریزی را از ما و گروه‌های تئاتری می‌گیرد. یک گروه تئاتری وقتی برنامه و اجرایش به ناگهان قطع می‌شود و دوباره به‌یکباره به او می‌گویند می‌تواند اجرا داشته باشد واقعاً چطور می‌تواند دوباره برنامه‌ریزی داشته باشد. طبیعتاً آنها به تمرین نیاز دارند و مدماتی نیاز دارند تا بتوانند اجراهای خود را از سر بگیرند آن هم در شرایطی که ممکن است هر آن این اجراها به دلیل قرمز شدن وضعیت، مجدداً تعطیل شود. به هر روی به اعتقاد من، حمایت امروزی از تماشاخانه‌ها و گروه‌های تئاتری، بسیار بهتر از آن است که در آینده بخواهیم فکر این مرمت‌ها و ترمیم‌ها باشیم و حتماً در آینده هزینه‌های این حمایت به لحاظ اقتصادی بیشتر از امروز خواهد بود.

نیم نگاهی به «گیتا» در زادروز استاد محمدعلی موحد

سوغات حکیم از سفر به هند

از دوم خرداد سال ۱۳۲۰ تا امروز، ۹۸ فاکل دور سر مردی حکیم گشته است و هربار لابد زیر لب «الاحول» خوانده و در دل «اون یکاد» زمزمه کرده است. امروز نودوهشتمین سالروز تولد استاد محمدعلی موحد است. چشم بد دور و چراغ خانه‌اش روشن. اواین عمر ارجمند را مثل سفرهای شناختنمندی پیش اهل فرهنگ گسترده و خود مثل یک سفره دار نجیب دست به سینه در درگاه ایستاده است تا زائران و مجاوران معبد دانایی را یکان یکان نانی گرم و آبی سرد بخشد. عدد کسانی که بااین سفره، حق نمک دارند بیرون از حساب است. استاد محمدعلی موحد از عمر، شمراسر نیست و بدیهی‌اش را به سرنوشت، صاف کرده است. درازای جانی که از آسمان گرفته گردن آویز بلندی از تحقیقات تراز اول ساخته و بر سینه فرهنگ آویخته است. حقوق، تاریخ، ادبیات و عرفان، در حکم قلعه‌های کوهستانی‌اند که اودر تمام عمر، صبح به صبح سراغ‌شان می‌رود و شب به شب با یک بغل علف‌های عطری شفابخش باز می‌گردد تا شیره این گیاهان را عصاره کند و روی رختهای فرزندان آدم بگذارد. ترجمه «گیتا» حاصل یکی از این گلگشت‌های فرهنگی است؛ رساله‌ای بی‌مثال در خداشناسی و حکمت‌زندگی باترجمه‌ای با ترجمه‌ای گیتا یا «به‌گود گیتا» یا «سرود خدایان»، جزئی از منظومه‌شگفت‌انگیز مهابهارات، از بزرگ‌ترین منظومه‌های حماسی جهان است. «گیتا» به عنوان بخشی از این منظومه، محاوره‌ای میان کرشنا وارجوناست و در خلال آن، رازهای توحید و اسرار زندگی اصلیل و ارزشمند بازگفته می‌شود. ایرانیان از دیرباز با این کتاب گرانسنگ آشنا بوده‌اند چندان‌که ابوریحان بیرونی در «تحقیق‌المللهند» بارها از آن یاد کرده است. اگرچه تلاش برای ترجمه این اثر به فارسی، سابقه‌ای چندصد ساله دارد اما استاد موحد با قلمی از عسل شیرین تر سراغ این اثر به حکیمان هندی رفته است و به شایسته‌ترین وجه، ردای زبان پارسی را بر ابی‌رای آن برش داده است. بیره نیست اگر گفته شود موحد با ترجمه این اثر، ظرفیت‌های تازه‌ای از توانمندی‌های زین فارسی را کشف کرده است. حاصل این حسن سلیقه، متنی باشکوه است که طعم کتاب‌های آسمانی را دارد. افزون بر ذوق سرشاری که مترجم در برگردان «گیتا» به خرج داده مقده‌های مستوفاه و مغتنم بر صدر اثر نشاندن تا مکانت و منزلت این کتاب گرم‌وروشن را آفتابی کند. کتابی تااین اندازه اصلیل و نظنگیر، متأسفانه اثری نسبتاً مهجور بوده و اقبالی مطابق با ارزش‌های بی‌مناهیست نیافته است. استاد موحد به سال ۱۳۴۴ چاپ نخست این کتاب را به همت انتشارات خوارزمی روانه بازار نشر کرد. از آن زمان تاکنون چندبار دیگر نیز این کتاب ارجمند تجدید چاپ شده است. در زادروز خجسته استاد محمدعلی موحد و به نیت شراکت در عمق و اصالت محتوایی «گیتا» ونیز شیرینی و شکوه‌مندی ترجمه‌اش، این نمونه از متن کتاب را از نظر بگذرانید: «و آنکه از رنگ تعلق رسته است/ و از بند نیک و بد جسته/ ودل به معرفت بسته/ هرچه کند از بهر خدا کند/ زنجیر کاراوا گسیخته بود/ او هرچه کند خدا بود.» (ص ۹۳)



شاید در غیاب بهمن علاالدین گزیده‌خوان قوم بختیاری که هم دستی توانا در پژوهش ایلیاتی و سری پرشور در شعر وموسیقی بختیاری داشت باید فاتحه‌گنجینه‌واژگانی ومیراث موسیقایی آن را خواند اما ظهور چهره‌هایی که با دریافت درست موقعیت زمانی ودرک عقبه تجربی نسل ماقبل و ارتباط آفرینی ومعاصرت میان آنچه بوده‌است و آنچه هست؛ محل امیدواری وشوق است. بهانه این یادداشت از قضا انتشار تک آهنگی به نام «بلبلت» (بلوط) است. اثری فاخر که شعر آن نوشته «فریده چراغی» است. متنی غالب که بر احیای واژه‌ها وکنشگری هنری تأکید دارد و اجرای آوازی آن با صدای گرم «بهمن حسینی» مخاطب را در بدایع و بدعت‌های این ایل شگفت‌زده می‌کند. استخدام آگاهانه واژگان بختیاری و تندباد عاطفی زبان به پیوست چیدمان موسیقایی اثر ووضوح حضور آواز، به خلق اثری متمایز منتهی شده‌است که امیدوارم در پی این اهتمام، شاهد خلق آثاری دیگر باشیم.

هم چون برساخته‌های بختیاری استاد عطا جنگوک، استاد منصور قنادپور واستاد علی حافظی که به صدای «بهمن علاالدین» در حافظه جمعی مخاطبان بختیاری و غیربختیاری جاودانه شده‌اند،

هم چون برساخته‌های بختیاری استاد عطا جنگوک، استاد منصور قنادپور واستاد علی حافظی که به صدای «بهمن علاالدین» در حافظه جمعی مخاطبان بختیاری و غیربختیاری جاودانه شده‌اند،

شروع به‌ناخن کرناکن

...



کتاب گتسی بزرگ
نوشته اسکات فیتز جرال
مترجم مهدی افشار

باید یاد بگیریم
دوستی مونو با آدم‌ها
تا موقعی که زندن
نشون بدیم، نه بعد از
مردن شون.

به‌بهانه تقدیر از دکتر احمدالستی در اختتامیه جایزه پژوهش

سال سینمای ایران

استادی که یک جریان است

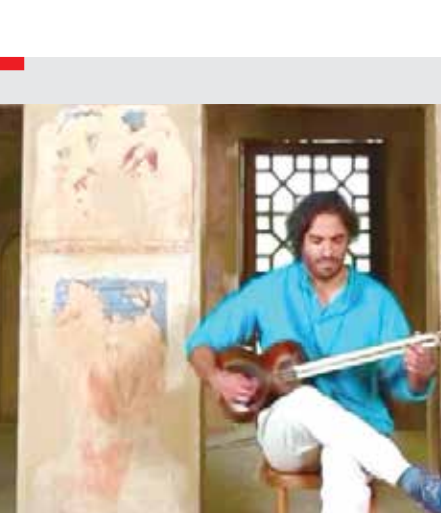
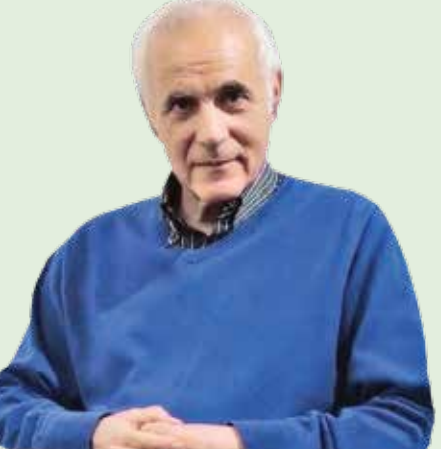
آموزش سینما در ایران از اواخر دهه ۱۳۳۰ حالت دانشگاهی به خود گرفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی در دانشکده هنرهای دراماتیک ادامه داشت. در این دانشکده استنادانی مثل پرویز شفا، هوشنگ کاووسی، حمید سمندریان، نصرت کریمی و بسیاری از استادان برجسته دیگر تدریس می‌کردند اما آنچه که در این زمینه شایسته توجه است آن است که در دانشکده هنرهای دراماتیک تحصیلات به دوره لیسانس محدود می‌شد و پژوهش و دوره‌های فوق لیسانس و دکتری در آن وجود نداشت.

با پیروزی انقلاب و شکل‌گیری دانشگاه هنر تحولات دیگری هم در تدریس رشته سینما به وجود آمد. افراد زیادی تلاش کردند تا در رشته سینما دوره‌های تحصیلات تکمیلی و پژوهشی را راه‌اندازی کنند اما به علت کمبود نیروی انسانی چنین کاری میسر نبود تا دهه ۷۰ که اتفاقی مهم و مبارک در سینمای دانشکده‌ای ما افتاد و آن همانا بازگشت یکی از درخشان‌ترین فارغ‌التحصیلان دانشکده هنرهای دراماتیک در مقام استاد آن دانشکده بود. احمدالستی بزرگ دانش آموخته دانشکده هنرهای دراماتیک پس از اتمام تحصیلات درخشان‌ش زیر نظر بزرگانی چون ژان روش در دانشگاه تگزاس در دالاس با درجه دکترای زیبایی‌شناسی سینما به ایران بازگشت و در دانشکده‌های مختلف هنری و سینمایی به تدریس پرداخت. با بازگشت او نهضتی جدید در آموزش سینمای کشور پدید آمد و دوره فوق لیسانس سینما در دانشگاه هنر پایه‌ریزی شد. همچنین افراد بسیاری که در دوره‌های دکترای پژوهش هنر تحصیل می‌کردند این توفیق را یافتند که زیر نظر دکترالستی رسالات دکترای خود را در حوزه سینما بنویسند.

دکترالستی در سال‌های پایانی خدمت خود به دانشگاه تهران این توفیق و افتخار را اعطا کرد که عضو هیأت علمی آنجا باشد و دانشگاه تهران چه خوشبخت و سعادت‌مند بود که توانست چنین استاد درجه یک و ممتازی را به‌عنوان استاد سینمای ثابت خود به خدمت هیأت علمی بگیرد.

دکترالستی که تا سال ۱۳۹۸ در استخدام دانشگاه تهران بود یکی از مراجع اصلی راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی ارشد این رشته به حساب می‌آید و می‌توان امروز ادعا کرد که اگر دوره کارشناسی ارشد و دکتریای سینما در کشور وجود دارد یقیناً و بدون هیچ تردیدی نتیجه حضور دکترالستی است. می‌توان گفت تقریباً تمام استادان فعلی سینما دانشجویان دکترالستی بودند و اگر احترام و حرمت او را نگه می‌دارند درود بر آنها و اگر احترام و حرمت او را نگه نداشتند خودشان می‌دانند و خدای خودشان و وجدان خودشان.

دکترالستی که استاد نیست، دکترالستی یک مدرس ساده نیست، یک جریان است؛ یک جریان اندیشگانی، فکری و دانشگاهی؛ جریانی که سیستم دانشگاهی تهران باید قدرش را بداند و به او احترام بگذارد اگر ادعا می‌کند که شایسته سالار است. دکترالستی را دوست بداریم چرا که او خدمت گرانبزاری به آموزش سینمای کشور کرده است و بدون او تاریخ آموزش سینما در کشور یقیناً قطعه بزرگی را ناقص خواهد داشت.



عکس نوشت

علی قمصری نوازنده تار به اصفهان رفت تا در اتاق موسیقی عالی قابو چهارمین گام از پروژه «تار ایرانی» را اجرا کند.

پروژه‌ای که به همت و ایده علی قمصری و با محوریت تارنوازی طراحی شده و او هربار در یکی از مکان‌های تاریخی کشورمان به تارنوازی می‌پردازد.

